علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست‌ویکم، شمارهٔ ۸۱ «ویژهٔ باورشناخت»، زمستان ۱۴۰۲، ص ۸۶-۱۰۴

نسبت و رابطه بین دنیا و آخرت از منظر صحیفه سجادیه *

فاطمه احمدی[۱]
علی اسدی اصل[۲]
عباس اسماعیلی زاده[۳]

چکیده

رابطه دنیا و آخرت، رابطه‌ای است که بین اوّل و آخر انسان در یک مسیر وجود دارد. در حقیقت، دنیا و آخرت، دو چهره یک واقعیت هستند. با نگرش منظومه‌ای به معارف صحیفه سجادیه، در می‌یابیم که گاهی نشئه دنیا در راستای آخرت ترسیم شده و نظام اعتباری دنیا به نظام حقیقی آخرت منتهی گشته است؛ گاهی دنیا در تقابل با آخرت قرار گرفته به طوری که گرایش به یکی، مایه دوری از دیگری خواهد بود؛ گاهی نیز با این نگاه که اساساً جهان‌بینی قرآن، جمع بین حسنات دنیا و حسنات آخرت است، جمع میان دنیا و آخرت مطرح شده است؛ به گونه‌ای که باید از هر دوی آنها بهره برد تا به مجموع سعادت دنیا و آخرت رسید.

روش: این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، به مطالعه روشمند صحیفه سجادیه، با بهره گیری از آیات و روایات، و نیز بررسی تفاسیر و شروح معتبر صحیفه، در موضوع دنیا و آخرت،

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹.
۱. دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد ft.ahmadi121@yahoo.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول).asadi-a@um.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد esmaeelizadeh@um.ac.ir
این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث است.

پرداخته و نسبت و رابطه نظام مند دنیا و آخرت را از دیدگاه مبارک حضرت امام سجاد علیه‌السلام نشان داده است.

یافته ها: نگرش امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه سجادیه به نسبت و رابطۀ دنیا و آخرت، در یک محور «دنیا در راستای آخرت» است که با این نگاه، حیات طیبه و پارسایی در دنیا، مقدمه ورود به بهشت است، و اساساً دنیا تجارتخانه‌ای برای آخرت و راه رسیدن به بالاترین مراتب آن می‌تواند باشد. در محور دیگری «دنیا در تقابل با آخرت» قرار می‌گیرد و محبت دنیا مانع رسیدن به «ما عندالله» و قرب الهی تلقی می‌شود؛ چنان که رغبت به دنیا مانع آمادگی برای آخرت، کمالات اعتباری دنیا مانع رسیدن به اندوخته‌های جاوید آخرت، و انس با اهل دنیا مانع انس با خدا و اولیای او، یاد دنیا عامل فراموشی یاد آخرت قلمداد می‌گردد. آن حضرت در محور سوم یعنی «جمع میان دنیا و آخرت و امکان»، مطلوب انسان را حسنه دنیا و آخرت، حیات و ممات طیب آن، اصلاح دنیا و آخرت، و عافیت دنیا و آخرت به نحو توأمان می‌داند؛ آن گونه که نه امور مادی و دنیوی، انسان را از امور اخروی و معنوی غافل کند نه بالعکس.

واژگان کلیدی: دنیا، آخرت، صحیفه سجادیه

مقدمه

حکمت آفرینش انسان با مقصد نهایی او هماهنگ است. تعالیم الهی، انسان را با عنایت ویژه خداوند، موجودی با دوام، جاودانه و ابدی دانسته است. هستی ابدی انسان، مجموعه‌ای مرتبط به هم و کاملاً یک پارچه است و هیچ انقطاعی در آن نیست؛ از این رو دنیا به آخرت پیوسته و بدان منتهی است.

قرآن درباره زندگی دنیا دو نگاه روشن دارد. بعضی آیات ناظر به آفریده‌های خدا و زندگی دنیای فانی در برابر حیات آخرت باقی است که گاهی از آن به «عالم شهادت» یاد می‌شود؛ در مقابل آخرت که «عالم غیب» است. بعضی از آیات ناظر به عناوین اعتباری و وهمی دنیا و وابستگی به زرق و برق آن است، زندگی دنیا را جز فریب و نیرنگ نمی‌داند و مراحل زندگی دنیا را به عناوینِ اعتباری و خیالی، سرگرمی، جلوه‌گری، تفاخر و تکاثر در اموال و اولاد منحصر می‌دارد (بنگرید: آل عمران، ۱۸۵؛ حدید، ۲۰). در نگرش دوم، قرآن دنیا را نظامی اعتباری دانسته که سرانجام باید به نظام حقیقی منتهی گردد.

از سویی زندگی دنیا مجموعه‌ای از قراردادهاست که با پایان پذیرفتن عمر بشر پایان می‌پذیرد و انسان وارد نظام فردی حقیقی می‌گردد. مال و جان انسان سرمایه و کالای اوست که باید با آن تجارتی سودمند و ابدی انجام دهد. در این تجارت اگر کسی خواهان آخرت باشد و در راه آن تلاش کند، مسلماً کوشش او به نتیجه‌ای مورد قبول خواهد انجامید (اسراء، ۱۹). اساساً رابطه میان این دو نظام اعتباری و حقیقی و امکان جمع میان آنها، محل تأمل است.

امام سجاد علیه‌السلام در نیایش‌های خود، نسبت و رابطه میان دنیا و آخرت را در سه محور ترسیم می‌فرماید: الف. گاهی نشئه دنیا را در راستای آخرت بازگو می‌کند و نظام اعتباری دنیا را به نظام حقیقی آخرت منتهی می‌داند. ب. گاهی دنیا را در تقابل با آخرت قرار می‌دهد، به طوری که گرایش به یکی، مایه دوری از دیگری خواهد بود. ج. جمع میان دنیا و آخرت، با این نگرش که اساساً جهان‌بینی قرآن، جمع بین حسنات دنیا و حسنات آخرت است؛ به گونه‌ای که باید از هر دوی آنها بهره برد تا به مجموع سعادت دنیا و آخرت رسید؛ نه

امور مادی و دنیوی، انسان را از امور اخروی و معنوی غافل کند و نه به عکس.

اینک به بیان تفصیلی هر یک از سه محور در ادعیه نورانی امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه می‌پردازیم:

۱. دنیا در راستای آخرت

دنیا سرای تعیین سرنوشت ابدی است، لذا با یك فرصت دنیوی کوتاه می‌توان هزاران ساعت آخرتی سود برد. به تعبیر امیر بیان، برای مسابقهٔ آخرت باید در دنیا تمرین کرد و آمادگی به دست آورد: «آگاه باشید امروز، روز تمرین و آمادگی، و فردا روز مسابقه است، پاداشِ برندگان، بهشت، و کیفرِ عقب ماندگان آتش است.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۸)

در نیایش‌های حضرت سید الساجدین علیه‌السلام گزاره‌هایی وجود دارد مبتنی بر این اصل که دنیا ظرفیت آن را دارد که آخرت و ابدیت انسان را تامین کند. برخی از این گزاره‌ها عبارتند از:

۱-۱. حیات طیبه و پارسایی در دنیا، مقدمه ورود به بهشت

حیاتی طیبه است که منطبق بر دین خدا و سنت پیامبر باشد و به مرگ مؤمنانه ختم شود. امام سجاد، همراستاییِ دنیا و آخرت را چنین تبیین می‌فرماید که هرکس در دنیا با حیاتی خداپسندانه زیست کند، نورانیتِ در آخرت، بهرهٔ او خواهد بود؛ از این‌رو از خداوند چنین حیاتی طلب می‌فرماید: «پس مرا به زندگی پاکیزه‌ای زنده بدار، که به آنچه می‌خواهم بپیوندد، و به آنچه دوست دارم منتهی گردد؛ آن گونه که آنچه را نمی‌پسندی انجام ندهم، و آنچه را از آن بازداشته‌ای مرتکب نشوم؛ و مرا همچون مرگ کسی بمیران که نورش پیشاپیش، و از جانب راست او می‌رود.» (دعای ۴۷، فراز ۱۰۷)

تفسیر «وَلا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص، ۷۷) در نظر بیشتر مفسران این است که عمل برای آخرت را در دنیا فراموش مکن؛ ولی برخی معتقدند چون مخاطب آیه حضرت موسی است، منظور این است که‌ای موسی! قارون آدمی ممسك و بخیل بود. به او گفته شد: بخور و بیاشام و از نعمتهای خدا بنحو مشروع و حلال استفاده کن. زیرا چنین استفاده‌ای

بر تو حرام نیست. (مجمع البیان، ج۷، ص ۴۱۶). آلوسی نیز اقوال گوناگونی از مفسران متقدم را در بارهٔ این آیه مطرح می‌کند که به هر دو دیدگاه اشاره دارد. (روح المعانی، ج۱۰، ص۳۱۸)

حضرت سید الساجدین علیه‌السلام، گویا همه زاد و توشه و بهره مندی از دنیا را در تقوا خلاصه می‌فرماید و این زاد راه را برای قرارگاه آخرت طلب می‌فرماید: «و از دنیا، تقوایت را زاد راه من گردان، و کوچ مرا به‌سوی رحمتت، و ورودم را در خشنودی‌ات، و جایگاهم را در بهشتت قرار ده.» (دعای۲۱، فراز۱۳)

لذا از خدا می‌خواهد که بی‌رغبتی نسبت به دنیا بر او چیره گردد؛ تا با شوق، برای آخرت عمل کند: «معبودا!... برای آخرتم، رغبت در عمل خالص را روزی‌ام فرما؛ تا راستی آن (عمل) را با قلبم درک کنم، و بی‌رغبتی در دنیایم بر من چیره گردد، و کارهای نیک را با اشتیاق انجام دهم، و از بدی‌ها با بیم و هراس در امان باشم.» (دعای ۲۲، فراز ۱۰ و ۱۱)

۱-۲. دنیا تجارتخانه آخرت

در نظر قرآن، دنیا نسبت به آخرت متاع اندک است و آخرت بهتر از دنیاست، لذا تجارت اخروی و سود آن هم بهتر از تجارت دنیوی و بهره آن است. (نساء، ۷۷). نیز متاع فراوان دنیا، بلکه همه دنیا را نسبت به ابدیت آخرت، اندک می‌داند (رعد، ۲۶)

اما همین دنیا محلی است که باید در آن، زاد آخرت را تهیّه کرد. به همین دلیل کسانی که این مسافرخانه را ویران می‌کنند، کاری ضد آخرت خود انجام می‌دهند و آن‌ها که این مسافرخانه و سرای گذر را آباد می‌کنند، به سود آخرت خودشان گام برمی دارند.

خدا اصلاً انسان را مأمور کرده تا این دنیا را به عنوان مزرعه آخرت، آباد کند (هود، ۶۱). تعبیر «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» یعنی از شما آباد کردن زمین را خواسته، چون خلیفه او هستید. (تسنیم، ج ۳۸ ص ۴۲). مراد از این دنیا و زندگی آن، همان دنیای ممدوح و اموری همچون زمین، آسمان، دریا، صحرا، آب، درخت و... است که همه نعمت و آیت الهی‌اند و خدا در قرآن از آن‌ها با عظمت یاد کرده است. چنین دنیایی تجارتخانه اولیای خداست.

دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه، فرصت دنیا را دارای ظرفیتی می‌داند که اگر در طاعت خدای تعالی صرف شود، خیر دنیا و آخرت را در پی خواهد داشت: «مرا در اوقات

بی‌خبری، برای یاد خودت هشیار ساز و در روزگار مهلت (عمر)، به فرمانبرداری‌ات بگمار و برایم راهی هموار به سوی محبّتت آشکار فرما؛ به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردان.» (دعای ۲۰، فراز ۳۶)

از منظر امام، خداوند کریم بندگان مطیعش را در عبادت یاری می‌دهد و آنان را در برابر مدت کوتاه و تمام شدنیِ طاعتشان در دنیا، پاداش طولانی، جاودانه و پایان ناپذیر می‌بخشد: «و اگر برای فرمانبردار، بر آنچه که خود یاری‌اش نمودی (عبادت)، پاداش معادل می‌دادی، نزدیک بود پاداش تو را از دست بدهد و نعمتت از او زایل گردد؛ ولی تو با بزرگواری‌ات او را در برابر مدّت کوتاه گذرا، با مدّت طولانی جاویدان، و در برابر فرجام کوتاهِ پایان‌پذیر، با فرجام دراز ماندگار پاداش دادی.» (دعای ۳۷، فراز ۸)

در نگرش امام سجاد علیه‌السلام، حتی محرومیت از همین متاع فانی دنیا نیز، برای مؤمن جایگزینی ابدی در خزائن باقی آخرت خواهد داشت؛ لذا از خداوند درخواست می‌فرماید: «وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ، فَاذْخَرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ؛ آنچه از دارایی دنیای فانی از من بازگرفتی، در گنجینه‌های جاوید خود برایم اندوخته ساز.» (همان، فراز ۷)

در عبارت «فاذخره لی؛ برایم اندوخته ساز»، ناگزیر یک تقدیر وجود دارد و آن «فاذخر عوضه لی» است؛ وجه این تقدیر آن است که ذخیره کردن خود آنچه خداوند به انسان نداده و از او دور داشته، مطلوب نیست. (ریاض السالکین، ج۴، ص۳۶۵)

۱-۳. دنیا راه رسیدن به بالاترین مراتب آخرت

نعمتی که خدا به انسان داده، باید راه و وسیله ای باشد تا او را به آخرت و سعادت جاودان برساند؛ زیرا عالم آخرت، عالمی است زنده و جاوید که مرگ در آن عالم راه ندارد. (عنکبوت، ۶۴)

درجات آخرت بیش از درجات دنیا و برتر از آن‌هاست. (اسراء، ۲۱). سرگرمی وعیش و نوش انسان را از محبوب شدن در پیشگاه خدا محروم می کند (قصص، ۷۷). بهشت نیز درجات و مراتبی دارد؛ که متناسب با درجات ایمان بهشتیان است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: مگویید بهشت یکی است. زیرا حق تعالی می‌فرماید: «وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ» (الرحمن، ۶۲)؛ و مگویید

همه در یک درجه‌اند، زیرا خداوند سخن از «درجات بعضها فوقَ بعض» به میان می‌آورد. بلکه برتری مردم با اعمال است. (نورالثقلین، ج ۵، ص ۲۰۰)

دنیا ظرفیت سطوح بالاتر و والاتر نعمت‌های مادی و معنوی یا عذاب‌های جسمی و روحی را ندارد؛ از این رو، نعمت‌ها و نقمت‌های برتر به آخرت موکول شده که مرگ پلی برای رسیدن به آنها است. البته برخورداری از نعمت‌های الهی متفاوت است. نازل، متوسّط یا عالی بودن بهره‌مندی‌ها به کوشش آدمی وابستگی دارد. انسان می‌تواند در آخرت، همجوار اولیای الهی باشد و با جام رسول الله، از حوض کوثر بهره‌مند گردد، که حیات و مرگ او بر سنت و آیین آن حضرت باشد.

امام سجاد در دعای ختم قرآن، چنین حیات و چنان فرجامی را از خداوند می‌طلبد: «و ما را بر طریقت او (پیامبر) زنده بدار، بر آیینش بمیران، بر راه روشن او نگاه‌دار، در طریقش راهی گردان، از فرمانبران او قرار ده، در گروهش محشور فرما، بر حوض او وارد ساز، و به جامش سیراب گردان.» (دعای ۴۲، فراز ۲۱)

آری؛ دنیایی که خودش و حطامش فانی است، می‌تواند انسان را به مقام قرب الهی و بهشت او برساند. و چه مرتبه‌ای بالاتر از این؟ امام سجاد می‌فرماید: «و آنچه را از دارایی ناچیز دنیا به من ارزانی داشتی، و آنچه از کالای آن برایم (در این جهان) پیش انداختی، سببی برای رسیدن به جوارت و پیوستن به مقام قربت، و وسیله‌ای به‌سوی بهشتت قرار ده؛ که همانا تویی «صاحب احسان بزرگ»، و تویی بخشندهٔ کریم.» (دعای ۳۰، فراز ۶)

حطام یعنی ریزه و شکستهٔ هر چیز خشکی؛ اندک مال دنیاوی که فنا پذیرد و باقی نماند. (منتهی الارب، مادهٔ «حطام»). در اینجا حطام عبارت است از خار و خاشاک که برای دستاوردهای دنیوی به عاریت گرفته شده و وجه این استعاره سرعتِ محو و فنای آن است؛ همان گونه که خاشاک در کوتاهترین زمان از بین می‌رود و به این سوی و آن سوی می‌پراکند. (صابری، بوستان سالکان، ج ۴، ص ۵۰۱)

۲. دنیا در تقابل با آخرت

بین نظام دنیا و نظام آخرت تفاوت بسیار است، به این معنی که در دنیا کارها با علل

و اسباب ظاهری و با قراردادها و پیمان و پیوندهای اعتباری انجام می شود؛ ولی در عالم قیامت این علل و پیوندهای اعتباری نیست.

زندگی دنیا، از آغاز تا انجام، متاعی اندک و ناچیز است و اساساً با امور اخروی قابل قیاس نیست. همان طور که دو متقابل، در وجود خارجی با هم جمع نمی‌شوند، توجه به یکی از آن‌ها (دنیا و آخرت) و انبعاث نفس به سوی او و اشتیاق جان به جانب آن، مایه نسیان دیگری شده و جمع آن دو در محور شوق و گرایش درونی که خود وجود خارجی محسوب می‌شود، میسور نیست. دنیا و آخرت مقابل هم‌اند و جمع آن دو در خارج ممکن نیست، بدین روی اشتیاق به یکی مایه فراموشی دیگری است، لیکن توجه به دنیا سبب نسیان مذموم است و التفات به آخرت مایه فراموشی ممدوح. (سرچشمه اندیشه، ج ۵، ص ۲۳۴)

تقابل دنیا و آخرت و اینکه گرایش به یکی از آن‌ها مایه دوری از دیگری است، در سخنان حکیمانه حضرت امیرمؤمنان به روشنی مطرح گردیده است: «دنیای حرام و آخرت، دو دشمن متفاوت، و دو راه جدای از یکدیگرند. پس کسی که دنیاپرست باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد. و آن دو همانند شرق و غرب از هم دورند، و رونده به سوی آن دو، هر گاه به یکی نزدیك شود از دیگری دور می‌گردد، و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۳)

برخی از این تقابل‌ها و تعارض‌ها، که در دعاهای نورانی حضرت سید الساجدین در صحیفه سجادیه مطرح شده، عبارتند از:

۲-۱. محبت دنیا، مانع رسیدن به «ما عندالله» و قرب الهی

انسان چون با مرگ از بین نمی‌رود و باقی است نیازمند متاع باقی و کالای جاوید است و آن فقط نزد خداست: «آنچه [از ثروت و مال] نزد شماست، فانی می‌شود و آنچه [از پاداش و ثواب] نزد خداست، باقی می‌ماند» (نحل، آیه ۹۶). خداوند سبحان از متاع دنیایی به «عَرَض» و از نعمت‌های الهی به «ما عند الله» یاد می‌کند؛ یعنی دنیا در مقابلِ جوهرِ اصیل و پایدار، عَرَضِ ناپایدار و زوال پذیر است. (مجمع البیان، ج ۳-۴، ص ۱۴۴-۱۴۵)

امام سجاد محبت و دلبستگی به دنیا را، سدّی در برابر همهٔ عوامل حرکت به سوی خدا و نزدیکی به او می‌داند و در نیایش روز عرفه از حضرت معبود، کنده شدن حب دنیا از دل را طلب می‌فرماید:

«و محبّت دنیای پست را از دلم بَرکَن؛ که از آنچه نزد توست باز می‌دارد، و از جُستن دستاویز به‌سوی تو مانع می‌شود، و از نزدیکی به تو غافل می‌سازد، و خلوت مناجات با خودت را در شب و روز برایم بیارای». (دعای ۴۷، فراز ۹۹)

۲-۲. رغبت به دنیا، مانع آمادگی برای آخرت

انسان برای رسیدن به مقام زهد و دل نبستن به هر چه غیرمحبت خداست، نیازمند ریاضت و تمرین است، تا جان او ورزیده شود و برای رسیدن به بارگاه حق رغبت پیدا کند. امام سجّاد در شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان تا صبح از خدا می‌خواست که به ایشان توفیق دهد که نسبت به دنیا همیشه آماده برخاستن باشد و از دنیا پرواز کند؛ لذا چنین دعا می‌فرمود: «معبودا! دوری گزیدن از خانه فریب، و بازگشت به سوی خانه جاویدان و آمادگی برای مرگ را پیش از فرا رسیدنش روزی من گردان». (بحارالانوار، ج ۹۵، ص۶۳؛ مفاتیح الجنان، اعمال شب ۲۷ ماه رمضان).

امام زین العابدین بر مؤمنان صلوات می‌فرستد و برای آنان از درگاه حضرت حق، بی‌رغبتی به دنیا و اشتیاق به عمل برای آخرت و آمادگی برای مرگ می‌طلبد:

«معبودا! و از امروزمان تا روز قیامت، بر تابعین درود فرست... درودی که.... ایشان را به باورِ امید نیکو به تو، و ترک بدگمانی نسبت به آنچه در دست بندگان است، برانگیزی. تا آنان را به اشتیاق به سوی تو، و بیم از خودت بازگردانی، و به رفاه دنیای زودگذر بی‌رغبتشان سازی، و عمل برای آخرت و آمادگی برای بعد از مرگ را محبوبشان نمایی» (دعای ۴، فراز۱۰ تا ۱۲)

امام کاظم نیز عاقلان را ناوابسته به دنیا می‌داند و خطاب به هشام می‌فرماید:

«ای هشام! عاقلان نسبت به دنیا زهد پیشه می‌کنند و به آخرت رغبت دارند؛ زیرا می‌دانند دنیا دو قسم است: طالب و مطلوب؛ کسی که در پی آخرت است، دنیا طالب اوست تا وی روزی خود را از دنیا به طور کامل دریافت کند. ولی کسی که دنیا مطلوب

اوست، آخرت او را می‌طلبد، تا آنکه مرگ به سراغ او می‌آید و دنیا و آخرتش را ویران می‌کند». (بحارالانوار، ج۱، ص۱۳۹)

۲-۳. کمالات اعتباری دنیا، مانع رسیدن به اندوخته‌های جاوید آخرت

ماهیت دنیا فنا است، لذا هر کاستی که بر آن عارض شود نیز فانی است. اگر انسان ناگزیر به انتخاب میان دین و دنیا گردد، شایسته است باقی‌تر را برگزیند و فانی‌تر را واگذارد؛ یعنی زیان دنیایی را فدای زیان اخروی کند. از این رو امام سجاد در پیشگاه مولای خود چنین مناجات می‌فرماید:

«معبودا! هرگاه بین دو زیان در دین یا دنیا توقف کردیم، پس زیان را به یکی از آن دو که زودتر فانی می‌گردد (دنیا) واقع ساز، و توبه را در مورد آن که ماندگارتر است (دین) قرار ده». (دعای ۹، فراز ۲)

۲-۴. انس با اهل دنیا، مانع انس با خدا و اولیای او

سرّ توصیه به عزلت از مردم و گوشه نشینی و حتی پرهیز از معاشرت با آن‌ها که در برخی روایات آمده، این است که بیشتر مردم اهل غفلت‌اند. همنشینی با بدکاران، روح و جان انسان را تاریک و مسموم می‌کند و طبعاً گوشه‌گیری از نااهلان، مانع کثافت و خشونت قلب خواهد بود؛ چنان‌که وقتی حضرت عیسی در مورد ویژگیهای همنشین خوب فرمود: «کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد و گفتارش شما را به عمل بیشتر وادارد و کردارش شما را به آخرت ترغیب کند». (الکافی، ج ۱، ص ۳۹)

از همین رو امام سجاد، وحشت از شرار خلق و انس با اولیای الهی را از خدای تعالی می‌طلبد: «جامهٔ دوری از بدسرشتان از آفریدگانت را بر قلبم بپوشان، و انس با خود، و دوستان و فرمانبردارانت را عطایم فرما» (دعای ۲۱، فراز ۱۳)

این معنا، در سخن بلند امیر بیان چنین آمده است: «همنشینی با بدان، برای انسان بدی می‌آورد؛ مانند باد، که وقتی بر بوی بد می‌گذرد، با خودش عفونت می‌آورد. و همنشینی با نیکان، نیکی می‌آورد، مثل باد، که وقتی بر بوی خوش بگذرد، با خودش بوی خوش به همراه می‌آورد». (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۷۸)

۲-۵. یاد دنیا، عامل فراموشی یاد آخرت

ذکر و نسیان مقابل یکدیگرند. منشأ همه گناهان، فراموشی آخرت، و منشأ پرهیزگاری و دوری از گناهان، یاد مرگ و معاد است. نکوهش دنیا نیز بدان سبب است که دلبستگی به آن، فراموشی آخرت و قیامت را در پی دارد. از منظر قرآن فراموشی قیامت مایه انحراف و ابتلای به عذاب الهی است. (ص، ۲۶). از این رو بندگان صاحب اقتدار و دارای بصیرت را مستغرق یاد آخرت و جوار رب العالمین قرار داد. (ص، آیات ۴۵-۴۷).

دل انسان ذاکر، بیناست، چنان که دل انسان غافل و فراموشکار، نابیناست؛ پس شهود قلبی مؤمن، حاصل ذکر خدا و محبّت او، و کوردلی حاصل یاد دنیا و دوستی آن است. از این رو امام سجاد در دعا برای مرزداران اسلام، از خدا می‌خواهد که یاد دنیای فریبا و تعلقات آن را از خاطرشان ببرد و پیوسته بهشت و نعمت‌های آن را پیش چشم آنان قرار دهد: «معبودا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، و هنگام رویایی آنان با دشمن، یاد دنیای خدعه‌گرِ فریبندهٔ آنان را از خاطرشان ببر، و اندیشه‌های مالِ فتنه‌انگیز را از دل‌هایشان محو گردان. و بهشت و آنچه را در آن فراهم آورده‌ای نصب‌العین آنان قرار ده» (دعای ۲۷، فراز ۴ و ۵)

به یاد آخرت بودن و برای آن سرای جاودانی توشه اندوختن، باید پیوسته باشد، تا لذتها را منهدم و هوی و هوس‌ها را تیره و تباه سازد؛ چنان‌که امیرمؤمنان می‌فرمود: «فراوان یاد مرگ کنید که این کار، لذات شما را نابود می‌کند و میان شما و خواهش دلتان حایل می‌شود» (وسایل الشیعه، جلد ۲، ص ۴۳۷)

به همین سبب حضرت سجاد علیه‌السلام، یا همیشگی را مرگ را طلب می‌فرمود:

«معبودا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، و ما را از آرزوی دراز باز دار، و با درستکاری، دست آن را از ما کوتاه گردان... و ما را از فریب آن (آرزو) سالم بدار، و از آفاتش ایمن گردان، و مرگ را پیش رویمان مجسّم فرما، و در پایان می‌فرماید: وَ لا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا لَهُ غِبّاً؛ چنان مکن که یادمان نسبت به مرگ، روزی باشد و روزی دیگر نباشد» (دعای ۴۰، فراز ۱ و ۲)

«غِبّ» از دوره‌های آب دادن به شتران است؛ ولی به ملاقات با یکدیگر هم گفته می‌شود؛ حتی در صورتی که پس از چند روز صورت گیرد. «غِبَّ الرّجل» یعنی پس از چند روز به دیدار

آمد. (النهایه، ج ۳، ص۳۳۶). منظور امام استمرار یاد مرگ است؛ به گونه‌ای که هیچ روزی یا روزهایی یاد آن را وانگذارد. (ریاض السالکین، ج ۵، ص۳۴۸)

۳. جمع میان دنیا و آخرت و امکان آن

جهان‌بینی قرآن و منطق مؤمنان، جمع بین حسنات دنیا و حسنات آخرت است؛ به گونه‌ای که نه امور دنیوی، آنان را از امور اخروی غافل کند و نه به عکس، بلکه طوری می‌اندیشند که از هر دو بهره برند تا به مجموع سعادت دنیا و آخرت برسند. (بقره، ۲۰۱). قرآن کریم مؤمنان را به خاطر این دعا می‌ستاید و آنها را صاحب نصیب و بهره فراوان می‌داند. (بقره، ۲۰۲)

دنیا و آخرت محل نزول رحمت الهی برای همه بندگان است. قرآن انبیاء علیهم‌السلام را نیز به جمع میان دنیا و آخرت ممتاز می‌داند؛ چنانکه دربارهٔ حضرت ابراهیم (بقره، ۱۳۰) و حضرت عیسی (آل عمران، ۴۵) بیان می‌دارد. همچنین به مؤمنان بشارت حیات دنیا و آخرت داده است. (یونس، ۶۴)

امام زین العابدین در نخستین فراز از آخرین دعای صحیفه، خداوند را با صفت «بخشندهٔ دنیا و آخرت و مهربان در هر دو سرا» می‌ستاید. (دعای ۵۴، فراز ۱). نیز در دعایی که هر صبح و شام باید خوانده شود، هدف از آفرینش روز را، تلاش انسان در آن، برای رسیدن به مجموع بهره‌های دنیوی و اخروی می‌داند: «...در جستجوی آنچه که در آن، رسیدن به سود کنونی از دنیایشان، و یافتن سود آینده در آخرتشان است، در زمین او بگردند» (دعای ۶، فراز۴)

برخی از نمونه‌های امکان تحقق جمع میان دنیا و آخرت در نیایش‌های امام سجاد علیه‌السلام در صحیفه عبارتند از:

۳-۱. طلب حسنه دنیا و آخرت

امام سجاد با اقتباس از قرآن، حسنات دنیا و آخرت را توأمان طلب می‌فرماید:

«معبودا!... ما را در دنیا نعمت نیکو، و در آخرت نعمت نیکو عطا فرما و به رحمتت مرا از عذاب آتش نگاه دار.» (دعای ۲۰، فراز ۳۷).

۳-۲. طلب حیات و ممات طیب

طیب در مورد حیات، اعتدال و در راه مستقیم بودن است. انسان دارای هر دو جنبه بدن و روح است و باید هر دو جنبه را تأمین کند، لذا حیات طیبه برای او به معنی تداوم حیات است آن چنان که شایسته اوست. (مصطفوی، التحقیق، ج۷، ص ۱۵۲)

«حیات طیّبه» یعنی حیات غیر مادی، زیرا دنیا با بلا و سختی در هم آمیخته است: «دنیا سرایی است که آن را غم و اندوه فرا گرفته.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶). منظور قرآن این نیست که خداوند زندگی دنیایی مؤمن را به حیات طیّب بدل می‌سازد؛ وگرنه گفته می‌شد «حیات او را طیب می‌کنیم»؛ بلکه فرمود: خدا به مؤمنِ نیکوکار حیات طیّب می‌دهد. (تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۳۴۱-۳۴۲). انسان می‌تواند در دنیا باشد و با قطع تعلّق از دنیا و با نور ایمان و معرفت، به حیات طیّبه برسد؛ ولی حیات دنیا فی نفسه نمی‌تواند طیّب باشد. ازآنجاکه آخرت باطن دنیاست و انسان خودش حامل باطن دنیا، یعنی بهشت و دوزخ است، مؤمن در همین دنیا از حیات طیّب برخوردار است؛ ولی این حیات به جنبه جسمانی و طبیعی او ربط ندارد. (جوادی آملی، تسنیم، ج۴۲، ص۴۸۴)

در صحیفهٔ سجادیه، حیات طیبه و ممات سعادتمندانه، برای کسی دانسته شده که عنایت و انعام الهی شامل حالش شده و خدا از او خشنود است: «و مرا... به مرتبهٔ کسی برسان که به او عنایت داشتی، بر او انعام فرمودی، و از او خوشنود گشتی؛ سپس او را ستوده زنده داشتی و نیکبخت میراندی» (دعای ۴۷، فراز ۹۷)

از این‌رو امام علیه‌السلام از خداوند چنین حیات و مماتی طلب می‌فرماید: «پس مرا به زندگی پاکیزه‌ای زنده بدار، که به آنچه می‌خواهم بپیوندد، و به آنچه دوست دارم منتهی گردد؛ آن گونه که آنچه را نمی‌پسندی انجام ندهم و آنچه را از آن بازداشته‌ای مرتکب نشوم؛ و مرا همچون مرگ کسی بمیران که نورش پیشاپیش، و از جانب راست او می‌رود». (دعای ۴۷، فراز ۱۰۷)

۳-۳. طلب اصلاح دنیا و آخرت

با توجه به فرمودهٔ امام زین العابدین در رسالهٔ الحقوق، عبودیت و کمال بندگی است که موجب تأمین و اصلاح امر دنیا و آخرت انسان می‌شود. ایشان درباره حق خدا بر انسان

و پاداش الهی در برابر ادای این حق فرمود: «حق خداوند بزرگ بر تو این است که او را پرستی و چیزی را شریک او قرار ندهی. هرگاه این حق الهی را با اخلاص به انجام رساندی خداوند بر خود واجب دانسته است که امر دنیا و آخرت تو را تأمین کند و آنچه را از آن میان دوست می‌داری، برایت پاس دارد» (رسالة الحقوق، حق الله، ص ۹)

از آنجا که باید در همۀ حوائج، به دنیا و آخرت توأمان نظر داشت، آن حضرت حوائجی را از خدا می‌طلبد که اصلاح امر دنیا و آخرت را در پی دارد و آن را به علم الهی وا می‌گذارد: «معبودا! قطعاً آنچه که کار دنیا و آخرت مرا اصلاح می‌سازد، تو می‌دانی؛ پس به (اجابت) خواسته‌هایم مهربان باش» (دعای ۲۲، فراز ۱۳)

از سویی اموری که دنیا و آخرت آدمی را سامان می‌دهد بی‌شمار است و همواره انسان آنها را به یاد ندارد؛ گاهی امور بیرونی است و گاهی درونی؛ گاهی آشکار است و گاهی نهان؛ پس باید به تأسّی از پیشوای عابدان، از پروردگار خواست که بر بنده منت نهد تا همه امور دنیوی و اخروی او را اصلاح فرماید:

«بر من منّت نِه، با همۀ آنچه مرا در دنیا و آخرتم شایسته می‌سازد؛ آنچه از آن یاد نموده و آنچه فراموش کرده‌ام؛ یا اظهار کرده یا پوشانده ام؛ یا آشکارکرده یا نهان داشته‌ام» (دعای ۲۵، فراز ۱۲)

از این رو آن امام همام در ادامۀ همین دعا، هر دو دنیا را برای خود و همۀ مسلمانان و مؤمنان، از خدای مجیب و سمیع طلب می‌فرماید:

«معبودا! همۀ این (درخواست‌ها) را به توفیق و مهربانی‌ات به ما عطا فرما، و از عذاب آتش پناهمان ده؛ و مانند آنچه را که برای خود و فرزندانم از تو درخواست کرده‌ام، به همۀ مردان و زنان مسلمان، و همۀ مردان و زنان مؤمن، در این دنیا و آن دنیا عطا بفرما؛ که تویی نزدیک، اجابت‌کننده، شنوا، دانا، بخشاینده، آمرزنده، رؤوف، مهربان» (دعای ۲۵، فراز ۱۶)

۳-۴. طلب خیر دنیا و آخرت

خیرات دنیا و آخرت فراوان است، مانند: عافیت، برکت، هدایت، طاعت و... برخی از خیرات در دنیا و آخرت وجود دارد که خداوند با عطای آنها، بر برخی از بندگان خویش

منت می‌گذارد، ایشان را به سوی خود هدایت می‌کند و درجه آنان را در پیشگاه خود بالا می‌برد. امام سجاد در دعای عید قربان و روزهای جمعه، چنین خیر جامعی را از خداوند منان می‌خواهد:

«معبودا! پروردگار ما! پادشاهی از آنِ تو، و ستایش مخصوص توست، معبودی جز تو نیست... اینک از تو می‌خواهم که هرگاه میان بندگان باایمانت، خیری یا عافیتی یا برکتی یا هدایتی یا عملی به طاعتت، یا خیری که بدان بر آنان منّت نهی، قسمت نمودی؛ تا به سبب آن به سوی خود هدایتشان نمایی، یا در پیشگاه خود رتبهٔ آنان را بلند گردانی، یا بدان، خیری از خیرات دنیا و آخرت به آنان ببخشی، بهره و نصیب مرا (نیز) از آن فراوان گردانی» (دعای ۴۸، فراز ۲)

بدیهی است که جمع کردن میان خیر دنیا و آخرت به طور کامل، برای کسی تحقق می‌یابد که در زمان‌های غفلت، به یاد خدا است و در دوران عمر خویش (که مهلتی برای اوست)، به طاعت خداوند مشغول است و مسیر طاعت را با محبّت طی می‌کند؛ چنان که حضرت سید الساجدین علیه‌السلام چنین با خدای سبحان نجوا می‌فرماید:

«معبودا! بر محمّد و خاندان او درود فرست، و مرا در اوقات بی‌خبری، برای یاد خودت هشیار ساز، و در روزگار مهلت (عمر)، به فرمانبرداری‌ات گمار، و برایم راهی هموار به سوی محبّتت روشن فرما؛ به سبب آن، خیر دنیا و آخرت را برایم کامل گردان» (دعای ۲۰، فراز ۳۶)

پس انسان باید در همهٔ درخواست‌هایی که در دنیا از خدا دارد و در تمام آنچه خداوند برایش مقدر می‌فرماید، خیر و برکت بجوید و آن خیر را به آخرت و نعمت‌های آن پیوند دهد:

«همهٔ آنچه را از تو خواستم، و به درگاه تو طلب کردم، و دربارهٔ آن به‌سوی تو روی آوردم، برایم اجابت فرما، و آن را بخواه و مقدّر کن، و حکم فرما و جاری گردان....» (دعای ۴۸، فراز ۲۶ و ۲۷)

۳-۵. طلب عافیت دنیا و آخرت

عافیت از آن خدا و منسوب به اوست. در ادعیه و احادیث معصومان، شفا و مرض، عافیت و بلا، هر دو به خدا نسبت داده شده، بدان روی که هر پدیده‌ای در جهانِ امکان، باواسطه یا بی‌واسطه، به خدای سبحان مستند است.

عافیت یعنی «دفاع خداوند از بندگان در برابر مصائب و ابتلائات» (مجمع البحرین، ذیل عفو)، و این که خداوند انسان را از بیماری و بلا نگاه دارد. (لسان العرب، ذیل عفو). سید علی مدنی عافیت را، دفع همۀ امور ناخوشایند از انسان، اعم از پیدا و پنهان و دینی و دنیایی و اخروی می‌داند. (ریاض السالکین، ج۵، ص۱۵۳)

عافیت در دنیا و آخرت قابل جمع، و مطلوب مؤمن است. گاهی ممکن است انسان از عافیت در دنیا بهره‌مند، ولی از عافیت در آخرت بی‌بهره باشد. از این‌رو باید عافیتی خواست که دنیا و آخرت انسان را فراگیرد. رسول خدا هنگامی که جعفر طیار را به سوی حبشه بدرقه می‌کرد، این دعا را توشۀ راهش قرار داد: «خدایا! در حلّ مشکلات و سختی‌ها به او عنایت کن؛ زیرا آسان ساختن سختی بر تو آسان است و تو بر هر کاری توانایی. از تو برای او آسایش و عافیت دائم در دنیا و آخرت می‌خواهم» (مکارم الاخلاق، ص۲۴۹). امیرمؤمنان یکی از موارد درخواست نیکو از خداوند را، عافیت می‌داند. (غررالحکم، ج ۵، ۵۵۹۷)

امام زین العابدین ضمن درخواست جامع‌ترین و شامل‌ترین عافیت در دنیا، از خدای سبحان می‌خواهد میان او و عافیت در دنیا و آخرت جدایی نیندازد: «معبودا! بر محمّد و خاندان او] درود فرست، جامۀ عافیتت را بر من بپوشان، سراپایم را به عافیتت دربرگیر، به عافیتت مصونم کن، به عافیتت گرامی دار، به عافیتت بی‌نیازم ساز، به عافیتت بر من تصدّق فرما، عافیتت را عطایم کن، عافیتت را بر من بگستران، عافیتت را شایسته‌ام گردان، و میان من و عافیتت در دنیا و آخرت جدایی مینداز. » (دعای ۲۳، فراز۱)

بار دیگر عافیت توأمان دنیا و آخرت را از خداوند می‌خواهد، با این ویژگی ها: «عافیتی کفایت کننده، شفابخش، برتر، فزاینده؛ عافیتی که در بدنم عافیت زاید؛ عافیت دنیا و آخرت» (همان، فراز ۲)

۳-۶. طلب امنیت از رسوایی در دنیا و آخرت

رسوایی و آبروریزی در دنیا، عذاب روحی دشواری است که از عذاب جسمانی به مراتب سخت‌تر است؛ ولی رسوایی در آخرت قابل قیاس با دنیا نیست. این‌گونه عذاب‌های

روحی مخصوص تبهکارانی است که در دنیا به فخرفروشی و تکبّر آلوده شده‌اند؛ چنان‌که رسول خدا فرمود: «هرکس بر فقیری ستم کند یا بر وی فخر فروشد یا او را کوچک شمارد، روز قیامت مانند مورچه در چهره انسان می‌شود، تا وارد آتش گردد» (ثواب الأعمال، ص۲۸۴؛ وسائل الشیعة، ج۱۲، ص۲۶۸)

از این رو امام سجاد علیه‌السلام، با تمسک به پرده‌پوشی و ستاریت خداوند در دنیا، و با اشاره به رسوایی اقوامی در قیامت، از حضرت حق می‌خواهد که همان گونه که بندهٔ مؤمن را از رسوایی در دنیا رهایی بخشیده، از رسوایی آخرت نیز نگاه دارد: «و آنگاه که دربارهٔ گروهی، فتنه‌ای یا امر ناگواری اراده کردی، مرا در حال پناهندگی به درگاهت از آن رهایی ده، و اینک که مرا در دنیایت در جایگاه رسوایی به‌پا نداشتی، در آخرتت نیز به‌پا مدار، و نعمت‌های پیشین خود را با نعمت‌های پسین، و بهره‌های دیرینت را با بهره‌های تازه برایم جمع گردان» (دعای ۴۷، فراز ۱۱۰)

نتیجه گیری

معصومان علیهم‌السلام باب‌های فهم معارف دین هستند و جز از طریق ایشان به حقیقت این معارف نمی‌توان راه یافت. بنابراین برای دسترسی به تفسیر صحیح از دنیا و آخرت، راهی مطمئن‌تر از مراجعه به عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وجود ندارد.

یکی از مستندترین و یقینی‌ترین مجموعه‌های روایی که در قالب دعا و مناجات در دسترس ما است، و سه امام معصوم در آن نقش داشته‌اند، صحیفه سجادیه است؛ که از قاموس اندیشه تابناک حضرت سید السّاجدین امام زین العابدین علیه‌السلام تراویده، و به دست مبارک امام باقر علیه‌السلام نگاشته شده و امام صادق علیه‌السلام شاهد بر این املاء و انشاء بوده است. (ر.ک: اسناد صحیفه سجادیه، ص۳۰) بنابراین، صحیفه سجادیه در تمامی عرصه‌های سلوک انسان، ظرفیت تبیین کامل معارف دین را دارد و با غوّاصی در بحر عمیق عرفان و ساحت قدس دعاهای این کتاب شریف، می‌توان به ناب‌ترین معارف غیبی دست یافت.

رابطه دنیا و آخرت، رابطه‌ای است که بین اوّل و آخر انسان در یک مسیر وجود دارد. پس درک نسبت میان آن دو می‌تواند بهترین مسیر سلوک بندگی را برای انسان در دنیا رقم

زند و او را به مجموع سعادت دنیا و آخرت برساند. با مطالعه روشمند صحیفه سجادیه و دستیابی به نظام معارف آن در باب دنیا و آخرت، در می‌یابیم که امام سجاد علیه‌السلام در تبیین نسبت و رابطۀ دنیا و آخرت، گاهی دنیا را در راستای آخرت قرار می‌دهد. با این نگرش، حیات طیبه و پارسایی در دنیا را، مقدمه ورود به بهشت دانسته، و اساساً دنیا را تجارتخانه‌ای برای آخرت و راه رسیدن به بالاترین مراتب آن می‌بینند. گاهی دنیا را در تقابل با آخرت می‌نگرد و محبت دنیا را مانع رسیدن به «ما عندالله» و قرب الهی تلقی می‌فرماید، رغبت به دنیا را مانع آمادگی برای آخرت، کمالات اعتباری دنیا را مانع رسیدن به اندوخته‌های جاوید آخرت، و انس با اهل دنیا را مانع انس با خدا و اولیای او، یاد دنیا را عامل فراموشی یاد آخرت قلمداد می‌نماید. گاهی نیز جمع میان دنیا و آخرت و امکان آن را تبیین می‌فرماید و مطلوب انسان را حسنه دنیا و آخرت، حیات و ممات طیب، اصلاح دنیا و آخرت، و عافیت دنیا و آخرت به نحو توأمان می‌داند؛ آن گونه که نه امور مادی و دنیوی، انسان را از امور اخروی و معنوی غافل کند نه بالعکس.

فهرست منابع

قرآن، ترجمه حسین انصاریان
نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
صحیفه سجادیه، ترجمه نوین، فاطمه احمدی، قم: اسوه، چ چهارم، ۱۳۹۹ش.
آلوسی، محمود بن عبدالله، **روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني**، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علي بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۵ ه.ق.
ابن اثیر جزري، مبارك بن محمد. **النهاية في غريب الحديث و الأثر**. قم: مؤسسه مطبوعاتي اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۳۶۷ش.
ابن بابویه، محمد بن علی. **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**. قم: دار الشريف الرضي للنشر، چ دوم، ۱۴۰۶ق.
ابن منظور، محمد بن مکرم. **لسان العرب**. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، چ سوم، ۱۴۱۴ق.
احمدی، فاطمه. المعجم المفهرس لالفاظ الصحیفه السجادیه. قم: اسوه، چ اول، ۱۳۹۴ش.
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. **غررالحکم و دررالکلم**. قم: دار الکتاب الإسلامي، چ دوم، ۱۴۱۰ق.
جزایری، سید نعمه الله. الشرح الکبیر علی الصحیفه السجادیه. قم: دارالنشر، چ اول، ۱۴۳۱ق.
جوادی آملی، عبدالله. **سرچشمه اندیشه**. قم: اسراء، چ پنجم، ۱۳۸۶ش.

..... **تفسیر تسنیم**. قم: اسراء، چ ششم، ۱۳۸۶ش.
حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. **دیوان حافظ** (قزوینی/غنی،). تهران: اساطیر، چ دوم، ۱۳۶۸ش.
حر عاملی، محمد بن حسن. **وسائل الشیعة**. قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، چ اول، ۱۴۰۹ق.
حویزی، عبدعلی بن جمعه. **تفسیر نور الثقلین**. قم: اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۴۱۵ق.
صابری، حسین. **بوستان سالکان**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ش
صفی‌پوری شیرازی، عبدالرحیم بن عبدالکریم. **منتهی الأرب فی لغة العرب**. تهران: دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۸۸ش.
طباطبایی، محمدحسین. **المیزان في تفسیر القرآن**. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، چ دوم، ۱۳۹۰ق.
طبرسی، فضل بن حسن. **مجمع البیان في تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو، چ سوم، ۱۳۷۲ش.
..... **مکارم الأخلاق**. قم: الشریف الرضی، چ چهارم، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۰ش.
طریحي، فخر الدین بن محمد. **مجمع البحرین**. تهران: مرتضوی، چ سوم، ۱۳۷۵ش.
علی بن حسین، امام چهارم علیه‌السلام. **رسالة الحقوق**. قم: اندیشه مولانا، چ دوم، ۱۳۹۰ش.
حر عاملی، محمد بن حسن. **وسائل الشیعة**. قم: مؤسسه آل البیت علیهم‌السلام، چ اول، ۱۴۰۹ق.
کبیر مدني شیرازي، سیدعلی‌خان بن احمد. **ریاض السالکین في شرح صحیفة سیّد الساجدین**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ اول، ۱۴۰۹ق.
کلینی، محمد بن یعقوب. **الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. **بحارالانوار**. بیروت: دار إحیاء التراث العربي، چ دوم، ۱۴۰۳ق.
محمدی ری‌شهری، محمد. **میزان الحکمه**. قم: دار الحدیث، چ هشتم، ۱۳۸۶ش.
مصطفوی، حسن. **التحقیق في کلمات القرآن الکریم**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، چ اول، ۱۳۶۸ش.